



گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

از هنگام پیروزی طبقه کارگر آمریکا در اول ماه مه ۱۸۸۶ تاکنون، همه ساله این روز تاریخی در سراسر جهان جشن گرفته می شود. تحت تأثیر این پیروزی سترگ طبقاتی، کارگران جهان هر سال در این روز با برپایی تظاهرات خیابانی، رژه باشکوهی را در مقابل بورژوازی به نمایش می گذارند.

در ایران، با وجودیکه طبقه کارگر به عنوان بخشی از اردوی جهانی کار در مسیر ترقی و تکامل انکارناپذیر قرار دارد، اما رژیم اسلامی حاکم می کوشد مسیر رشد این طبقه را سد کند. کارگران ایران اکنون در شرایطی به استقبال این روز جهانی می شتابند که جمهوری اسلامی حاکم اجازه برگزاری هیچگونه تظاهرات و اجتماعات آزاد را به آنها نمی دهد. نمایشی که هر سال از طرف نهادهای وابسته به حکومت به نام کارگران در روز اول ماه مه برگزار می شود، جنبه فرمایشی دارد و کارگران نقشی در آن ندارند.

اکنون ۲۴ سال است که این وضعیت قهقرایی بر تمام محیط کار و کارخانه و عموم جامعه ایران سایه افکنده است. طی این دوره طولانی، رژیم جمهوری اسلامی بطور دائم مبلغ انواع کهنه پرستی در قالب دفاع از دین و تمدن اسلامی بوده است. این رژیم با نفی علوم و نظریات جدید به نفی هرگونه اسلوب علمی در زندگی اجتماعی مردم پای می فشارد. تحجر حاکم تا آنجا پیش رفته است که هرگونه نواندیشی را به حساب توهین به مقدسات می گذارند و اندیشمندان را کیفر می دهند. در عوض تبلیغ و ترویج اوهامات عصر جاهلیت آزاد است تا از این طریق بتوانند نسل جوان و عموم مردم ایران را از ترقی و نوآوری بازدارند. اینگونه واپسگرایی ها به حدی شدت گرفته است که در حال حاضر سردمداران رژیم به بهانه جلوگیری از فرهنگ غرب، مانع استفاده مردم از اینترنت و آنتن های ماهواره ای گردیده اند. این قبیل سخت گیری ها در چارچوب آئین اسلام اعمال می شود تا شاید بتوانند علم را در پستوی خانه و پشت پنجره موزه ها محبوس کنند، در حالی که همه چیز در حال تغییر و دگرگونی است.

در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، همواره این رژیم مورد حمایت کشورهای امپریالیستی به ویژه دول اروپا قرار داشته است. نظام های بزرگ صنعتی منافع اقتصادی خود را در گرو تداوم حکومت هایی نظیر رژیم جمهوری اسلامی ایران برآورد می نمایند. حال که رقابت های اقتصادی - سیاسی بین کشورهای سرمایه داری اروپا و آمریکا بر سر بازار دنیا به وخامت گرائیده است، پشتیبانی از رژیم ایران توسط دولت های اروپایی فزونی یافته است.

نزدیک به هشت سال است که بازی قدرت بین جناح خامنه ای و جناح «اصلاح طلب» بالا گرفته است. طی این مدت عموم مردم ایران آگاه گردیده، به این باور رسیده اند که هیچگونه فرق اساسی بین جناح خامنه ای و «اصلاح طلب» وجود ندارد. آنچه را که تاکنون جریان موسوم به جبهه دوم خرداد (اصلاح طلب) عنوان کرده است، چیزی نبوده بجز دفاع از منافع هیئت حاکمه ایران. ادعاهای کذب اصلاحات، جنجالی است که در قالب «اسلام مدرن» به منظور تسکین عطش کنجکاوای جوانان از جانب طرفداران اصلاحات دامن زده می شود. با گذشت نزدیک به هشت سال، نسل جوان به خوبی واقف گشته است که راه اصلاح طلبان راه سردرگمی است تا آنها را از هرگونه عملی بر ضد حکومت بازدارند. مردم ایران نیک دریافته اند که محمد خاتمی در رأس جناح «اصلاح طلب»، هیچ فرقی با خامنه ای ندارد و طی دو دوره حیات ریاست جمهوری اش فقط با استناد به حرف های شاعرانه، هجویاتی از گنجینه نادانی خود برای مردم ایران تکرار کرده است.

در چنین شرایطی، لشکرکشی امپریالیسم آمریکا و انگلیس به منطقه و اشغال عراق بر مشکلات طبقه کارگر ایران افزوده است. جمهوری اسلامی ایران که طی ۲۴ سال گذشته بطور دائم خطر خارجی و عوامل مجهول را بهانه سرکوب داخلی قرار داده است، اکنون بار دیگر هم مرز شدن با ارتش آمریکا را بهانه قرار داده تا بر شدت استبداد مذهبی بیفزاید.

ظاهر شدن آمریکا در نقش ژاندارم جهانی نگرانی هایی را در سراسر دنیا ایجاد کرده است. تمام تلاش های

شورای امنیت و سازمان ملل برای متقاعد کردن آمریکا و پایبند شدن این حکومت جهانخوار به قوانین بین المللی با شکست مواجه شده است. این یاغی گری آمریکا نگرانی سایر ملل جهان را برانگیخته است. شرایط دشوار کنونی باعث شده است تا سایر کشورهای بزرگ صنعتی نیز به فکر پیدا کردن متحدی برای خود بیافتند. نشست ماه گذشته سران روسیه، آلمان و فرانسه در همین راستا صورت گرفته است. کشورهای منطقه و منفرد دیگر نیز به فکر پیدا کردن متحد برآمده اند، هرچند خود واقفند که فقط می توانند اتحادهای ناپایداری را بوجود آورند.

همچنان که قضایای تاریخی گذشته، بویژه حوادث دهه ۱۹۴۰ در دوره هیتلر ثابت کرد، اینگونه کشورگشایی ها نمی تواند مسیر تاریخ را عوض کند، هرچند که ضایعات جبران ناپذیری برجای می گذارد. از قرائن چنین برمی آید که ذخائر سرشار نفت کشور ما و سایر کشورهای منطقه اشتهای آمریکا و متحدینش را تحریک کرده است. عدم موفقیت سازمان ملل در مهار کشورگشایی آمریکا، سران پنتاگون را سرمست کرده است. از اینرو طبقه کارگر ایران بایستی بیش از هر وقت دیگری به مسئله مبارزه ضدامپریالیستی خود توجه لازم معطوف نماید. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی حاکم جدا از مبارزه با امپریالیسم نمی باشد. سیستم امپریالیستی موجود و نظام های نظیر جمهوری اسلامی ایران، جزء لاینفک سیستم جهانی سرمایه محسوب می شوند. نزاع های این قبیل حکومت ها با امپریالیسم، مشکلی از طبقه کارگر و عموم زحمتکشان را حل نخواهد کرد. با تمام توان باید بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران متحد شویم و برای سرنگونی این رژیم ضدمردمی بیا خیزیم. تنها از این طریق می توانیم هرگونه تعرض امپریالیستی را درهم بشکنیم و منافع عموم مردم ایران را تأمین کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

اول ماه مه ۲۰۰۳ – یازده اردیبهشت ۱۳۸۲

جهت تماس

A.C.P

Postfach 120206

60115 Frankfurt am Main

Germany

Fax: 00-49-221-170 490221

E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de

Web Site:<http://www.iranian-fedaii.de>